

متن پرسش

عرض سلام خدمت استاد گرانقدر: دغدغه ای سالیانی هست که دل من را به خود مشغول کرده و علی الخصوص در چند سال اخیر بسیار پررنگتر به من رخ نشان داده. از حدود ۲۲ سال پیش که اولین سفر کربلا قسمت بنده شد تا هم اکنون که به لطف خدا و دعوت خودشان زیارت های اربعین این چند ساله قسمت شد همیشه یا حداقل در اکثر سفرها در زیارت امام حسین علیه السلام حسی شبیه به با دست پس زدن و با پا پیش کشیدن از طرف امام را تجربه کرده ام. لذا همیشه در مقابل شور و اشتیاقی که همه برای زیارت کربلا دارن من یک خوف از رفتن و پذیرفته نشدن از جانب امام رو دارم ولی از آنطرف هم چون مطمئنم که چاره ای جز به در خانه شان پناه بردن ندارم هر بار با وجود آن ترس طالب رفتن هستم. بارها خودم رو اینطور تسلی دادم که اگر با من نبودش هیچ میلی چرا ظرف مرا بشکست لیلی ولی آیا به واقع همین است؟ در صحبت های شما بود که وقتی به زیارت می روید از حضرات معصوم نماز خود را بخواهید عبادت های خود را بخواهید و اینکه آیا تأیید می کنند یا خیر، با این فرمایش شما دلگرمی من این هست که حضرت کلیت مسیر را برای شخص بنده تأیید می کنند ولی در عملکرد هنوز ایراد و اشکال هست. آیا به واقع اینطور است یا خیر، این فقط توهمی برای دلگرمی خودم هست؟ و در اینصورت تکلیف خودم تا زیارت بعد را چگونه باید مشخص کنم. ممنون بابت وقت گذاری شما.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: مسلماً هر اندازه انسان به نهایت انسانیت که اولیای معصوم باشند، نزدیک و نزدیک تر شود؛ بیشتر احساس می کند چه اندازه از آن حضور فاصله دارد، به همان معنای «چو بید بر سر ایمان خویش می لرزم» به اعتبار تشکیکی بودن حقیقت که در آن مسیر هر جا که باشیم نسبت به مرتبه بعدی که دارای شدت بیشتری هست، احساس نبودن داریم و این راز حضور در صراط است. و البته حضور در رخداد اربعینی این سال ها حضور خاصی است حاکی از حضور ذیل اراده الهی برای هرچه بیشتر درک انسانیت انسان ها نسبت به نظر به حضرت سیدالشهداء «علیه السلام» که در جای خود بحث آن مهم و مفصل است و از این جهت باید با شرکت در این نوع اربعین، در خود متذکر چنین حضوری باشیم. موفق باشید